



شروع جنگ نافرجام و پذیرش آتش بس، در آمریکا به منازعه سیاسی تبدیل شد؛

ترامپ در معرض

تهدید استیضاح و متمم ۲۵

جهان ۵

توسعه ایران

هم‌زمان با آتش بس شکننده میان ایران و آمریکا، نگاه‌ها به مذاکرات اسلام‌آباد دوخته شد

میان جنگ و صلح؛ در منطقه خاکستری

بامداد چهارشنبه، ۱۹ فروردین و زمانی که عقر به‌های ساعت هنوز به ۳:۳۰ صبح یعنی همان لحظه که ترامپ به عنوان «لحظه پایان یک تمدن» از آن یاد کرده بود ناگهان خبر آتش بس دو هفته‌ای منتشر شد. پس از چهل روز جنگی که از آسمان تا زیرساخت‌های حیاتی امتداد داشت، صدای انفجارها برای لحظه‌ای خاموش شد. ایران نفس کشید، منطقه مکث کرد و جهان با تردیدی عمیق به این پرسش خیره ماند که این فقط یک وقفه است یا آغاز پایان یک بحران؟ اما آن چه رخ داد، بیسش از آن که یک توافق کلاسیک صلح باشد، به یک «ترمز اضطراری» شباهت داشت. جنگی که با حملات گسترده به زیرساخت‌های حیاتی، مسیرهای انرژی و مراکز حساس آغاز شده بود، به نقطه‌ای رسیده بود که ادامه آن می‌توانست به یک درگیری غیرقابل کنترل منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تبدیل شود. آتش بس دو هفته‌ای، در چنین شرایطی، نه نتیجه یک پیروزی مطلق، بلکه محصول هم‌زمان چند عامل از جمله فرسایش میدان، نگرانی از گسترش دامنه جنگ، فشارهای اقتصادی و مهم‌تر از همه، ورود میانجی‌ها بود. در این میان، نقش پاکستان برجسته شد؛

کشوری که با دیپلماسی آرام‌امام‌ستمر توانست کانال ارتباطی میان تهران و واشنگتن را باز نگه‌دارد. نهایتاً دو طرف را به پذیرش این وقفه موقت متقاعد کند. اما این آتش بس، از همان ابتدا نیز با احتیاط تعریف شد که نه توافقی جامع، نه تضمینی بلندمدت، بلکه فرصتی کوتاه برای بازتنظیم محاسبات است. در نخستین ساعات پس از اعلام آتش بس، جنگ روایت‌ها آغاز شد؛ جنگی که شاید حتی پیچیده‌تر از خود میدان بود. در واشنگتن، دونالد ترامپ تلاش کرد این توافق را به‌عنوان یک دستاورد سیاسی معرفی کند. او از «روز بزرگ صلح جهانی» گفت، از نقش آمریکا در مدیریت تنگه هرمز سخن گفت و حتی وعده «عصر طلایی خاورمیانه» را مطرح کرد اما این روایت، به سرعت با تردیدهای داخلی و خارجی مواجه شد. در تهران، روایت کاملاً متفاوت بود و تأکید بر تحقق اهداف، حفظ توان نظامی، و ورود به آتش بس بدون امتیازدهی راهبردی است. این دو گانه، البته پدیده‌ای جدید نیست. در تاریخ جنگ‌ها، تقریباً همیشه هر دو طرف خود را پیروز اعلام می‌کنند. اما تفاوت اینجاست که در این مورد، فاصله میان روایت‌ها به‌طور غیر معمولی زیاد است...



استاد حقوق انرژی در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» و با نقد مبالغه‌گزارانه ادعایی برخی مسئولان:

عوارض تنگه هرمز باید معقول و براساس حقوق بین‌الملل باشد

چرکه ۳



تخریب گسترده میراث فرهنگی کشور از نگاه تاریخ‌نگار برجسته

جنگ نه فقط علیه ایران،

بلکه علیه حافظه تاریخی آن

فرهنگ و هنر ۶

موسی:

میدان در حال تدارک پاسخ سنگین به حمله امروز رژیم به لبنان است

سیاست ۲

بیش از ۳۰۰ لبنانی کشته شدند

بمباران گسترده مناطقی از لبنان

توسط ارتش اسرائیل

جهان ۵

ترامپ:

لبنان شامل توافقی آتش بس نیست

سیاست ۲

واکنش شهباز شریف،

نخست‌وزیر پاکستان

به نقض آتش بس

سیاست ۲

فارس خبر داد:

توقف کامل تردد نفتکش‌ها در

تنگه هرمز پس از حملات به لبنان

سیاست ۲

مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی،

پس از ۱۷ سال آزاد شد

سیاست ۲

در نامه به ایفلا مطرح شد

اعتراض به تخریب

کتابخانه‌های ایران در جنگ

فرهنگ و هنر ۶

سازمان لیگ در آتش بس چه

تصمیمی برای لیگ و حذف می‌گیرد؟

آغاز جنگ فوتبال

آردنالی ۸

حکایت آنها که حمله به زیرساخت‌ها، معیشت و شغل آنها را نشانده رفت

وضعیت نامشخص کارگران

پتروشیمی‌های ماهشهر پس از تهاجم

دسترنج ۴

گزارش

تحلیلگر روابط بین‌الملل:

پذیرش آتش بس از سوی ایران، اقدامی بجا و شجاعانه بود

مقطع به ارزیابی‌های جدیدی در مورد موقعیت خود و طرف مقابل دست می‌آیند و بر مبنای ارزیابی‌های جدید ممکن است احیاناً درجه‌ای از عقلا‌نیت بر خواسته‌ها و زیاده‌خواهی‌های آنها غلبه کند.

تیم ترامپ طی یکی دو هفته اخیر نشانه‌های واضحی از اینکه به ارزیابی‌های جدیدی رسیده و تصورات واهی و متوهمانه‌اش دستخوش تحول شده و در جستجوی راهی برای خروج از جنگ است، نشان داده بود. به این دلیل لازم بود که ایران مکتبی کرده و میزان تاثیر واقعی ارزیابی‌های جدید را بر مواضع عینی دولت ترامپ ارزیابی کند. مذاکراتی که در پیش خواهد بود نشان خواهد داد که تا چه حد واقعیت عینی جنگ ممکن است توهمات تیم ترامپ را که عمدتاً ناشی از القائات سمی افراطیون اسرائیلی بود، زوده‌دیده باشد.

۳- مقام‌های مادر دوره جنگ تأکید داشتند که توقف جنگ باید مشروط به تضمین عدم تجاوزات بعدی باشد. پیش‌بینی برای اجتناب از تجاوزات بعدی و ادامه وضعیت نه جنگ - نه صلح قطعی درستی بود. اما باید توجه داشت که تاریخ روابط بین‌الملل اثبات کرده است که هیچ تضمین سیاسی - حقوقی قطعی وجود ندارد. روسیه در ۱۹۹۴ طی عهدنامه‌ای الزام آورده و اوکراین تضمین داد که در پی انتقال سلاح‌های هسته‌ای بازممانده شوروی سابق، از تجاوز روسیه مصون خواهد بود. این عهدنامه را آمریکا و انگلیس نیز امضا کردند. اما می‌دانیم که این تضمین پیش‌بینی‌نیز نبرزدید.

۴- نکته مهم دیگر در ارتباط با تضمین این است که ایران در جریان تجاوز غیرقانونی و متخلفانه آمریکا و انگلیس از جمله حمله به نیروی دریایی ایران ناچار از اعمال محدودیت بر تردد از تنگه هرمز شد که به لحاظ حقوق بین‌الملل نیز می‌توانست موجه باشد. با اعمال موفق این تدبیر، برای متجاوزان محرز شد که با توجه به امکانات نامتقارن ایران، باز کردن تنگه به زور ممکن نخواهد بود. این تجربه می‌تواند به عنوان تضمینی عینی موجب شود تا متجاوزان در آینده به فکر تجاوز مجدد به خاک ایران نیفتند.

۵- مردم ما و کشور ما طی حدود ۴۰ روز گذشته متحمل سدمات معنوی و مادی زیادی از ناحیه متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی شدند. در این دوره خساراتی به کشور وارد شد که در صورت ورود جنگ

به مرحله بعد، یعنی حمله به زیرساخت‌ها، می‌توانست ابعاد گسترده‌تری بیابد و با توجه به ادامه تحریم و تنگ‌ناهی مالی جبران آن در کوتاه‌مدت برای کشور بسیار دشوار شود. همچنین باید توجه داشت که با توجه به ماهیت هواپایه جنگ و دشواری دسترسی به قلمرو متجاوزان به دلیل بُعد مسافت، تلافی جویبی ایران عمدتاً می‌توانست بر امکانات متجاوزان در برخی کشورهای همسایه متمرکز باشد. در این صورت کار بازسازی روابط با این کشورها و مردمان آنها می‌توانست بسیار طولانی و طاقت‌فرسایشود.

امید است که با توجه به تحول مثبتی که بعد از یک دوره سختی رخ داده، سیاست خارجی ایران وارد مرحله جدیدی شود و در بر تو تحولاتی که در حوزه دیپلماسی رخ خواهد داد، امکان بازسازی روابطی را که در جهت توسعه کشور و رفاه مردم فراهم شود.

باید توجه داشت که با توجه به ماهیت هواپایه جنگ و دشواری دسترسی به قلمرو متجاوزان به دلیل بُعد مسافت، تلافی جویبی ایران عمدتاً می‌توانست بر امکانات متجاوزان در برخی کشورهای همسایه متمرکز باشد و در این صورت کار بازسازی روابط با این کشورها و مردمان آنها می‌توانست بسیار طولانی و طاقت‌فرسایشود.

«کورش احمدی» تحلیلگر روابط بین‌الملل و دیپلمات پیشین در باره آتش بس و آغاز روند گفت‌وگوها میان ایران و آمریکا نوشت: «تیم دونالد ترامپ طی یکی دو هفته اخیر نشانه‌های واضحی از اینکه به ارزیابی‌های جدیدی رسیده، تصورات واهی و متوهمانه‌اش دستخوش تحول شده و در جستجوی راهی برای خروج از جنگ است، نشان داده بود. به این دلیل لازم بود که ایران مکتبی کرده و میزان تاثیر واقعی ارزیابی‌های جدید را بر مواضع عینی دولت آمریکا ارزیابی کند.»

پذیرش توقف موقت جنگ از سوی مقام‌های ایرانی اقدامی بسیار بجا، به موقع، شایسته و در عین حال شجاعانه است و از این جهت باید به همه مقام‌های نظامی و سیاسی و نیز به مردم ایران که سخنانی استوار و انجمل کردند، تبریک گفت. در مورد

اینکه دقیقاً چه اتفاقی افتاده، بیانیه آقای سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه گویاترین و حرفه‌ای‌ترین فراتر از راه دست داده است. باز نشر توثیق ایشان توسط رئیس جمهور آمریکا، گویای تأیید فراتر رسمی ایران توسط دولت این کشور است.

وزیر خارجه ایران در بیانیه خود «درخواست آمریکایی‌ها را مذکوره در مورد پیشنهادات ۱۵ بندی آن کشور» و نیز اعلام رئیس جمهور آمریکا مبنی بر «پذیرش کلیات پیشنهادات ۱۰ بندی ایران» یادآوری و تصریح کرده که این دو پیش‌نویس مبنای مذاکراتی خواهد بود که در نظر است در پاکستان انجام شود. کتر عراقچی سپس «به نمایندگی از سوی شورای امنیت ملی» اعلام کرده است که «۱- چنانچه حملات به جمهوری اسلامی ایران متوقف شود، نیروهای مسلح قدرتمند ما نیز حملات دفاعی خود را متوقف می‌کنند.» و «۲- به مدت دو هفته تردد امداد در تنگه هرمز در هماهنگی و با نیروهای مسلح ایران و با نظارت محدودیت‌های فنی موجود مقدور خواهد بود.»

در مورد این تحول مهم که رئیس آن به شرح فوق توسط دیپلمات ارشد ایران اعلام شده، نکاتی به شرح زیر قابل ذکر است:

۱- توافقی که برای توقف موقت جنگ حاصل شده، نتیجه تصمیم‌گیری شورای امنیت ملی است که مطابق روند و روال تصمیم‌گیری در این عالی‌ترین نهاد سیاسی - نظامی کشور اتخاذ شده است. آنچه اکنون در این مرحله مهم است و می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر مذاکرات آتی برای حل و فصل نهایی مسائل داشته باشد، حمایت همه‌طیفه‌ها و نخله‌های فکری و سیاسی در داخل کشور از این تصمیم درست است.

۲- موافقت ایران با توقف موقت جنگ در این مرحله به دلایل متعدد اقدام درستی است. بطور کلی، طرفین هر جنگی با توجه به روند پیشرفت جنگ در هر

جان فشانسی، ابتکار، صلابت و خلاقیت آن‌سان شایسته بزرگ‌ترین ستایش‌هاست. نقش آفرینی نیروهای مسلح، با تدابیر پیوسته فرماندهان و با وجود تقدیم شهیدانی بزرگ، از ارکان اصلی این ایستادگی و پیروزی بوده است. سیاست و درود بر سرداران، امیران و همه سربازان وطن.

در کنار آنان، باید از مردمی قدردانی کرد که زیر موشک و بمباران ایستادند و صحنه را ترک نکردند. در حالی که در طراحی جنگ نخست، سناریوی آشوب خیابانی و حمله از بیرون پیش‌بینی شده بود و در جنگ دوم نیز درگیری خیابانی در دستور کار قرار داشت، در هر دو مقطع این مردم ایران بودند که همه محاسبات را بر هم زدند. در جنگ اول، به فرمان طراحان دشمن به خیابان نیامدند؛ و در جنگ دوم، چنان با حضور خود در صحنه ظاهر شدند که اندیشه بهره‌برداری از خیابان برای توطئه، از ذهن بدخواهان بیرون رفت.

حتماً باید از مردمی سیاسی گفت که با وجود ناراضی‌ها، گلایه‌ها، نقدها و حتی تجربه اعتراض، آن‌گاه که پای دشمن به میان آمد، نه تنها با او همراه نشدند، بلکه با درک حقیقت اهداف او، با هوش تاریخی و ایرانی خود، پاسخی قاطع به بدخواهان ایران و مزدوران بیگانه دادند؛ همانانی که برای این ملت رؤیا می‌فروختند و مردم را به سوی فرش‌های خونینی می‌خواندند.

سیاسی دیگر، شایسته میدان‌داران دیپلماسی کشور است. در این میان، جا دارد از شهسود لاریجانی، آن مرد میدان و دیپلماسی، نیز با احترام یاد شود. همچنین باید از همه ارکان دستگاه دیپلماسی قدردانی کرد که با وجود فشارهای سهمگین روحی و روانی، میدان را خالی نکردند و فعلاً نه در صحنه ماندند.

و نیز باید سپاس گفت از اهالی فرهنگ و هنر مندانی که در دل مقاومت، سمفونی آرامش نواختند؛ از آن‌سان که برای ایران خواندند، نوشتند، از آنان که مقاومت را تصویر کردند، و از آنان که با زبان هنر، رنج یک ملت را به وقار و ایستادگی بدل

ساختند. همه کنشگران و اهالی رسانه که از ایران عزیز دفاع کردند. همچنین باید از سیاستمدارانی یاد کرد که همگی پای ایران و نظام تمام قد ایستادند و با وجود بی‌مهری‌ها، از مسئولیت تاریخی خویش روی برناتافتند.

ایران امروز در آستانه لحظه‌ای تاریخی ایستاده است: لحظه‌ای که می‌تواند از دل رنج، فرصت بیافریند؛ از دل تهدید، امکان بسازد؛ و از دل آتش، صورت تازه‌ای از خود را آشکار کند. اگر این لحظه به درستی فهم و تدبیر شود، آنچه از دل این ایام بر خواهد آمد، تنها عبور از یک جنگ نخواهد بود، بلکه گامی بلند در جهت بازتعریف جایگاه ایران در درون خویش و در نسبت با جهان خواهد بود. و در پایان، سیاست از قوای سه‌گانه کشور بویژه دولتی که چون مجاهدی خاموش، شجاع، نترس، بی‌هیاهو و بی‌ادعا، ایستاده؛ دولتی که با وجود دیده‌نشده‌ها و حتی کوشش‌هایی برای نادیده گرفتنش، در میانه بمباران و در دشوارترین شرایط، کشور را با خلاقیت، نوآوری و سخت‌کوشی اداره کرد، چنان‌که زندگی مردم از جریسان نیفتاد و رنج کمبود، بسر جان جامعه نشست.

در این میان، قدردانی بویژه از رئیس جمهور پزشکیان شایسته است؛ که نه فقط برای تأمین زندگی روزمره مردم کوشید، بلکه در عرصه‌های کمتر دیده‌شده نیز نقش آفرین بود؛ از ایجاد هماهنگی و هم‌دلی، تا اهتمام به تصمیم‌های آینده‌نگرانه؛ از حفظ مدارا و تداوم روح و وفاداری در میانه جنگ، تا صیانت از چهار رکن اصلی این ایستادگی یعنی میدان، جامعه، دیپلماسی و اداره کشور.

او کوشید تا دفاع از ایران، نه صرفاً در جبهه‌های محدود، بلکه به‌مثابه تلاشی همه‌جانبه، منسجم و مقتدر سامان یابد.

✳️ استیوار اجتماعی رئیس‌جمهور

یادداشت

علی ربیعی

طعم شیرین مقاومت بر جان جامعه بزرگ ایرانی مبارک بسا؛ در مردمی که نوری ناز بسته را در سایه غرش بمب‌ها، موشک‌ها و جنگنده‌های متجاوز بر وطن پشت سر گذاشتند و با این همه، سحرها و افکارهای خود را بر پا داشتند و ایستادگی را به این زیستن بدل کردند.

یاد و نام همه شهیدان این روزهای بزرگ گرامی یاده از آنان که نامشان بر زبان‌ها جاری است تا آنان که بی‌نام، اما بلندآوازه در پیشگاه تاریخ‌اند؛ و نیز کودکانی معصوم که هنوز فرصت کودکی نیافته، به کاروان شهیدان پیوستند. و در این میان، یاد رهبر شهید گرامی‌تر یاده آن که امروز، بیش از روزگار حیات پربرکت خویش، عمق تدبیر، دوراندیشی و شناخت نافذش از نظم ستم‌پیشه جهان آشکار شده است.

بی‌تردید این روزها در حافظه پر فراز و نشیب ایران ماندگار خواهد ماند؛ روزهایی که رنج تاریخی، لحظه‌های ایستادگی، تجربه پیروزی و ضرورت دوباره ساختن را یکجا در خود گرد آورده است. این ایام، تنها فصل رنج نبوده؛ آستانه‌ای بود برای فهم دوباره خویشتن تاریخی ایران.

امروز، در متن نظم‌های معاصر جهانی - نظمی که هر چند دهه با نامی تازه، اما با همان مناسبات نابرابر، باز تعریف شده است - سرخودای کم‌نظیر پدید آمده است: ظهور دولت - ملتی با شهامت،

خلاقیت و ابتکار که فراتر از محاسبات سطحی و ظواهر فریبنده، توانست نیرویی شگرف و حضوری تعیین‌کننده از خود در دل این نظم تحمیلی آشکار کند؛ حضوری که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت، کوچک شمرد یا از معادلات آینده حذف کرد.

از این منظر، این جنگ تحمیلی و این دفاع میهنی می‌تواند نقطه عطفی برای زایش دوباره تاریخ باشد: نخست، باز تعریف جایگاه دولت - ملت‌ها در نظم‌های دیکته‌شده جهانی؛ و دوم،

گشایش افقی نود در درون ایران برای بازآندیشی نسبت میان دولت، حاکمیت و ملت و نیز برای ترسیم مسیرهایی تازه در آینده کشور.

اما چنین فرصت تاریخی بزرگی، خود به خود به ثمر نمی‌نشیند. این فرصت، محتاج هوشمندی، جسارت خلاقانه و درکی عمیق از گوهر گران‌سنگی است که در این روزها به دست آمده است؛ همچنین نیازمند شناخت دقیق راه‌های حفظ و تثبیت آن، چه در عرصه داخلی و چه در میدان خارجی. تنها سیاست‌گذاری‌ای که بر پایه واقعیت‌ها استوار شود، می‌تواند این رنج بزرگ را به افقی روشن‌تر برای آینده ایران بدل سازد.

در عین حال، غفلت از چالش‌های پیش رو خطایی نابخشودنی است. کینه، تخریب‌گری و کار شکنی رژیم صهیونیستی واقعیتی نیست که بتوان از کنار آن گذشت. این رژیم، همراه با برخی دولت‌های منطقه، تاب‌دین چنین دستاوردی را برای ایران ندارد. تجربه تاریخ معاصر و حتی تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که هر گاه ایران به نقطه‌ای مهم در تعاملات جهانی دست یافته، اسرائیل با کنش‌هایی تخریب‌گرانه برای برهم‌زدن آن وارد میدان شده است. از همین رو، چه در دستاوردهای کوتاه‌مدت و چه در فرآیند این ایام، ایران بیش از هر زمان به تدبیر، انسجام فکری و نظری، و نگاه بلندمدت نیازمند است. ایران امروز بیش از هر زمان دیگر به تصمیم‌های بزرگ نیاز دارد؛ در اقتصاد، در سیاست داخلی، در سیاست خارجی و در سیاست‌های اجتماعی فرهنگی. اگر همان‌دیشی همه ایرانیان چه داخل و خارج از کشور به سرمایه‌ای فعال بدل شود، می‌توان فصلی تازه نه فقط در تاریخ ایران، بلکه حتی در تجربه معاصر جهان گشود.

در این مسیر، نخست باید از میدان‌داران بزرگ نیروهای مسلح، تحت فرماندهی رهبری، با نهایت احترام یاد کرد.